

دهه ۱۹۹۰ — يك دهه رشد

مترجم: م. اشرفی

دکتر سوپروتو، دبیر کل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) عقیده دارد که چشم انداز صنعت نفت در دهه ۱۹۹۰، چشم انداز عالی است — مشروط بر اینکه همه شرکت کنندگان، تولیدکنندگان و مصرف کنندگان همچنان در مسیر همکاری و گفتگو پیش بروند.*

دوازده ماه پیش، من در همین کنفرانس [تیمین کنفرانس نفت و پول]، نیاز به حفظ قیمت های نفت خام به قیمت مبنای اوپک (بشکای ۱۸ دلار) را مطرح کردم و تأکید نمودم که محقق ساختن این امر وظیفه همه تولیدکنندگان بازار است. قیمت نفت بر اساس مبدأ مبنای سازمان اوپک، از سطح بشکای ۱۸ دلار در اکتبر ۱۹۸۷، به بشکای ۱۵/۶ دلار در نخستین هفته اکتبر ۱۹۸۸ — معادل ۷ دلار برای هر بشکه طی یک سال — کاهش یافته است. از آن پس، توافق ما در نوامبر ۱۹۸۸، راه را برای افزایش قیمت ها تا سطح یک قیمت مشخص، یعنی ۱۸ دلار برای هر بشکه، باز کرد — این هدفی بود که در آوریل ۱۹۸۹ بدان دست یافتیم. از آن زمان تا کنون، نوساناتی بهرامون قیمت در این سطح در جریان بوده است.

عوامل دیگری نیز در شکل دادن به وضع بازار در سال گذشته (۱۹۸۹) نقش داشتند که قابل ذکرتر از همه، از بین رفتن سطح قابل توجهی از عرضه کشورهای غیر عضو اوپک است که در نتیجه حوادث تأسف باری در آلاسکا و دریای شمال پدید آمد. این حوادث، خطرات استخراج نفت از نواحی خیلی دور افتاده، پرستند، و حساس نسبت به سایر ریسک های را نشان داد. در حالی که بازار بدون انجام اقدامی خاص به سطح مطلوبی از ثبات دست یافته است اما، با این حال، با وجود تردیدهای ظاهراً "غیر قابل ردیابی" سال ۱۹۸۸، بیشتر آشکاری صورت گرفته است. در نتیجه، اینک که تنها چند هفته به آغاز دهه ای جدید مانده است، باید از خود بهریم که در این پویاترین بخش های کالایی جهان چه پیش رو داریم.

* این مقاله از متن سخنرانی دکتر سوپروتو در دهمین کنفرانس نفت و پول گرفته شده است. کنفرانس مزبور به وسیله اینترنشنال هرالد تریبون (International Herald Tribune) و دی اوپل دپلی (The Oil Daily) در نوزدهم و بیستم اکتبر در لندن برگزار شد.

مشخصترین نقطه شروع برای بررسی مسئله و احتمالاً " هشدار دهنده ترین آنها ، افزایش پیش -
بینی شده جمعیت جهان است . جمعیت جهان در اوایل قرن هجدهم یک میلیارد نفر بود که در حدود
سال ۱۹۳۵ دوبرابر شده ، و در اواسط سال ۱۹۱۷ از مرز ۵ میلیارد نفر گذشت . طبق برآوردهای بانک
جهانی ، انتظار می رود که این رقم در سال ۲۰۵۰ به ۶ میلیارد نفر برسد و تقریباً تمام این افزایش در
کشورهای در حال توسعه متمرکز باشد . اگر قرار باشد که سطح زندگی مردم جهان بهبود یابد ، واکنشهای
اقتصادی نیز عظیم خواهند بود و روشن است که تأثیر عمده ای بر تقاضا برای انرژی خواهد گذاشت .

قدم بعدی پیش بینی متوسط رشد اقتصادهای مبتنی بر بازار است . به اعتقاد ما ، اگر روندهای
تورمی موجود در کشورهای صنعتی تحت کنترل درآیند ، نرخ رشد اقتصادی طی پنج سال آینده می تواند
بین ۲/۵ تا ۳ درصد باشد و احتمالاً " به طور متوسط معادل ۲/۵ درصد تا پایان قرن به رشد خود ادامه
دهد . این محاسبه بر مبنای تداوم احتمالی متوسط نرخ رشد کمی بیش از ۱۲/۵ درصد در اوایل دهه
۱۹۸۰ ، و ۳/۳ درصد در طول سالهای بهبود از ۱۹۸۲ به بعد است . با در نظر گرفتن نرخ رشد متوسط
سالانه ای معادل ۵ درصد برای کشورهای جدیداً " صنعتی شده ، انتظار می رود که نرخ رشد این کشورها
بر نرخ رشد کشورهای عضو او . ای . سی . دی که دارای نرخ رشدی نزدیک به متوسط نرخ رشد جهانی خواهند
بود ، پیشی گیرد .

تقاضای انرژی

اکنون اجازه دهید که به طور مشخص به سراغ انرژی هرویم و سناریویی را در نظر بگیریم که در آن ، مثل
دهه ۱۹۹۰ ، قیمت نفت در شرایط واقعی مبادله ثابت بوده ، و در سطح بشکه ای ۱۸ دلار باقی بماند .
باید از تغییرات ساختاری در اقتصادهای پیشرفته سیاستگذار باشیم که موجب پدید آمدن صنایع مبتنی
بر مصرف نازل انرژی شده ، و در نتیجه نیاز به انرژی برای نیل به رشد اقتصادی در آینده را کاهش
داده اند . با در نظر داشتن همه این عوامل ، پیش بینی ما این است که تقاضای جهانی انرژی از سطح
معادل یکصد میلیون بشکه در روز به حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیون بشکه در پایان قرن برسد و ، به عبارت
دیگر ، رشد متوسط سالانه ای معادل ۱/۲ درصد را نشان بدهد . از نظر منطقه ای ، رشد تقاضای انرژی در
حوزه کشورهای عضو او . ای . سی . دی به تدریج کاهش خواهد یافت و از سطح ۲ درصد فعلی به حدود ۱
درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید . در عین حال ، بر اساس مصرف سرانه کم انرژی در کشورهای در
حال توسعه ، نرخ رشد مصرف انرژی در این کشورها در سطح بالای ۲ درصد باقی خواهد ماند . در طول
دهه ۱۹۹۰ ، این نرخ در کشورهای عضو اوپک به طور متوسط در حد ۱/۵ درصد خواهد بود .

پیش بینی می شود که در سال ۲۰۵۰ ، سهم نفت در کل انرژی با ۲ درصد کاهش به حدود ۴۶
درصد ، و سهم گاز با ۴ درصد افزایش به ۲۲ درصد برسد . سهم زغالسنگ از ۲۲ درصد فعلی به تدریج
کاهش یابد و سهم مشترک انرژی هسته ای و انرژی آبی در همین حد ۱۱ درصد باقی بماند یا حتی اندکی
کمتر شود . به طور مطلق ، پیش بینی می شود که تقاضای جهانی نفت به رشد خود ادامه دهد و از سطح
۵۱ میلیون بشکه در روز سال ۱۹۸۹ ، به حدود ۵۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۵۰ افزایش یابد .

حدود ۳ میلیون بشکه از این افزایش نصیب کشورهای عضو او. ای. سی. دی و حدود ۴ میلیون بشکه بقیه نصیب کشورهای در حال توسعه خواهد شد.

انتظار می‌رود که سهم اوپک از تجارت جهانی نفت که طی دهه ۱۹۸۰ به شدت کاهش یافت و در سال ۱۹۸۵ به ۴۰ درصد کل رسید، از سطح ۴۶ درصدی سال ۱۹۸۸ افزایش یابد و به ۵۴ درصد در پایان قرن برسد و عرضه کل کشورهای عضو اوپک را از ۲۱ تا ۲۲ میلیون بشکه در روز (عرضه کنونی) ، به ۳۰ میلیون بشکه در روز برساند. برعکس، پیش بینی می‌شود که طی دوره مورد نظر، تولید کشورهای غیر عضو اوپک معادل دو میلیون بشکه در روز کاهش یابد.

یک بی‌نظمی که انتظار می‌رود تا سال دو هزار تا حد زیادی تخفیف یابد، عدم توازن قابل توجهی بین ذخایر موجود و سطح کنونی تولید کشورهاست. در سال ۱۹۸۸، در حدود ۸۴ درصد (۹۰۸ میلیارد بشکه) از ذخایر جهان که قابل احیا شناخته شده، در کشورهای عضو اوپک قرار داشت. علاوه بر آن، در کشورهای عضو اوپک بیش از سایر نقاط جهان احتمال می‌رود که ذخایر جدید قابل توجهی یافته شود. با این حال، در سال ۱۹۸۹، کشورهای عضو اوپک تنها ۴۶ درصد از تولید جهانی نفت را تأمین کرده‌اند. به عبارت دیگر، کشورهای غیر عضو اوپک رقمی بالاتر از نصف تولید جهانی نفت را از محل ذخایر خودشان - که کمتر از یک ششم ذخایر جهان است - تأمین می‌کنند و با این کار، عمر ذخایر خود را از عمر ذخایر کشورهای اوپک که یکصد سال است بسیار کوتاه‌تر کرده، و به تقریباً ۱۸ سال محدود می‌نمایند. واضح است که چنین وضعیتی نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد.

بنابراین، ظاهراً "چشم انداز بازار جهانی نفت طی دهه ۱۹۹۰، چشم انداز سالمی است و حتی در صورتی که سهم نفت در کل ترکیب انرژی، به صورت نهایی کاهش یابد. پیش بینی می‌شود که اندازه بازار به شکل قابل قبولی گسترش یابد. در نگاه اول، به نظر می‌رسد که محتملترین منتفع‌شوندگان از این وضعیت، آن تولیدکنندگانی خواهند بود (در اصل، کشورهای عضو اوپک) که توانایی مقابله با افت بازار را، در صورت وقوع، دارند. اما هنگامی که مسئله را دقیقتر بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که کشورهای مصرف‌کننده نیز از این وضعیت بهره‌مند می‌شوند چرا که تا مدت‌ها بعد از آغاز قرن بیست و یکم هنوز نفت آن قدر فراوان خواهد بود که بتوانند بدون تغییر بنیادی ساختار خویش، سوخت مورد نیاز صنعتی موجود خود را تأمین کنند. با این حال، در صورتی که اقدامات جدی همه جانبه‌ای برای محدود کردن آزادی اقتصادی و کاملی در مورد اداره بازار نفت انجام نگردد، این موقعیت بالقوه مناسب را می‌توان به آسانی از دست داد.

این دوگانگی اساسی درخواست اوپک را در طول بخش اعظم دهه ۱۹۸۰ شکل داده است. اینک، مسئله ثبات برای سلامت آتی بازار بین‌المللی نفت و، در واقع، صنعت جهانی انرژی مسئله‌ای حیاتی است. اما ثبات بازار به خودی خود به دست نمی‌آید؛ کسانی که آینده سعادت‌اندانهای را بر اساس بازار بین‌المللی نفت جستجو می‌کنند، باید برای آن تلاش کنند. تردید [در مورد ثبات بازار نفت] برای

همه ما رنج آور است و احتمالاً " به جز چند محترک خوش اقبال کسی از آن سود نمی برد . به همین دلیل ، سازمان اوپک بار دیگر از همکاران خود در صنعت نفت دعوت می کند که در تلاش برای ایجاد این ثبات با آن همکاری کنند . ویژگی دهه ۱۹۸۰ ، فراوانی بازندگان بازار بین المللی نفت است ، چه از طریق درگیری مستقیم در عملیات این بازار ، و چه از طریق پدیده های پیرامونی مانند مشکل عظیم بدهیها و با ورشکستگیهای منتسب به ضعف و بی اطمینانی دایمی بازار ، به ویژه در سال ۱۹۸۶ . نیازی به تکرار این امر در دهه ۱۹۹۰ نیست ، ما برای جلوگیری از تکرار این بی نظمی ، ابزاری در اختیار داریم .

سهامیه های دایمی

در اوپک ، در حال انجام اقداماتی برای نظم دادن به سازمان خود هستیم . مسئله سهامیه بندی همچنان به عنوان مانعی در راه انسجام سازمان ماست و این امر توانمندی ما را در ثبات بخشیدن به بازار نفت محدود کرده است . با وجود ماهیت پیچیده این مسئله ، هرازگاه سازمان ما به راه حلهایی موقتی رسیده که هر کدام درجه معینی از ثبات بازار را به ارمغان آورده است . ماه گذشته ، در نشست کمیته نظارتی وزیران اوپک (Ministerial Monitoring Committee) در ژنو ، بار دیگر این مسئله به دقت مورد بررسی قرار گرفت . با توجه به روشن بینی شرکت کنندگان که ویژگی این نشست بود و خواست صادقانه همه حاضران برای حل این مسئله ، من بیش از هر زمان دیگری متقاعد شده ام که یک راه حل دایمی پیش روی ماست . چنین راه حلی ، گامی بزرگ برای بخشیدن حیاتی تازه به سازمان خواهد بود . و ما را برای رویارویی با چالشهای جدید دهه ۱۹۹۰ در موقعیت حسرت برانگیزی قرار خواهد داد .

امسال ، دیدگاههای بدیعی که بسیاری از تولید کنندگان غیر عضو اوپک در زمینه همکاری به ما نشان داده اند ، ما را بسیار دلگرم کرد . ما اطمینان داریم که این همکاری طلحه خوبی برای سالهای دهه ۱۹۹۰ باشد . شاید خاطره وضع وخیمی که صنعت نفت آنها در نتیجه سقوط قیمت نفت در ۱۹۸۶ بدان دچار آمد و خاطره سیر نزولی شدید بازار در سال ۱۹۸۸ - وضعیتهایی که با فرسایش مداوم قدرت خرید دلار تشدید شد - همکاری و تعاون بیشتر را سبب شده باشد . کاهش سریع ارزش پول ایالات متحده در نیمه دهه ۱۹۸۰ بر درآمدهای نفتی ما تأثیری مصیبت بار داشت . نه تنها قیمت نفت ، سقوط کرد ، نه تنها شاهد از دست رفتن بیش از یک سوم از سهم بازار خود در مدتی به کوتاهی یک دهه بودیم ، بلکه حتی قدرت خرید درآمدهای دلاری ما نیز به شدت کاهش یافته بود .

همکاریهای کشورهای عضو و غیر عضو اوپک در ابتدای سال جاری ، طی نشست در لندن با حضور کارشناسان فنی سازمان ما و کارشناسان ۱۳ منطقه تولید کننده نفت غیر عضو اوپک آغاز شد ، با این نظر که تلاش برای حصول ثبات پایدار آغاز شده ، وسعت گرفته و تقویت شود . این تولید کنندگان هم از کشورهای صنعتی و هم از کشورهای در حال توسعه آمده بودند ، و اگر بخواهیم سیاسی صحبت کنیم ، باید بگوییم از شرق و غرب آمده بودند . یک ماه بعد ، بسیاری از شرکت کنندگان این نشست ، که عضو اوپک نبودند ، به پشتیبانی از سازمان ما ، برنامههایی را برای کاهش صادرات اعلام کردند .

درگیری بیشتر اتحاد جماهیر شوروی و برخی از شرکای سنتی آن در اروپای شرقی (در بازار جهانی نفت) حاکی از تغییر شدید ساختار عرضه و تقاضای انرژی جهان طی دهه ۱۹۹۰ است. اگر کاهش فعلی موانع تجاری در غرب و شرق ادامه پیدا کند، موقعیت اتحاد شوروی به عنوان بزرگترین تولید کننده نفت جهان، و همچنین بزرگترین تولید کننده گاز طبیعی، اثراتی عظیم بر الگوهای عرضه انرژی در جهان خواهد داشت. به همین ترتیب، روح سیاست گلاسنوست نیز اثراتی بر تقاضا خواهد داشت. این نظم جدید احتمالا بدان معنی خواهد بود که ما باید به زودی اتحاد شوروی و شرکای تجاری سنتی آن را به صورت مستقیمتری در تحلیل جهانی خویش مدنظر قرار دهیم.

علاوه بر آن، احتمالا گرایش موجود در جهت تجدید طبقه بندی برخی از تقسیم بندیهای سنتی در طرف عرضه صنعت بین المللی نفت ادامه خواهد یافت. به عنوان مثال، در سالهای اخیر برخی از شرکتهای ملی نفت کشورهای عضو سازمان، از طریق ایجاد پالایشگاهها و صنایع پتروشیمی در کشورهای خودشان و بعدست گرفتن شبکههای توزیع خویش در بازارهای مصرف، برای نفت خام خود و فرآورده های آن بازارهای فروش یکپارچهای به ویژه در ایالات متحده و اروپا فراهم ساختند. انتظار می رود این گونه فعالیتها بیشتر شود.

مصرف نظر از اینکه صنعت نفت طی سالهای آتی چگونه توسعه پیدا خواهد کرد، می توانم به شما اطمینان دهم که در عزم جزم اوپک در دهه ۱۹۹۰ برای به دست آوردن یک بازار بین المللی بقاعده و با ثبات که منافع مصنفان را برای شرکای مختلف آن تضمین کند، تغییری صورت نخواهد گرفت.

شاخصها نشانگر این هستند که تا آغاز قرن جدید، نفت به عنوان راهبردی ترین، پرفرآورده ترین و به طور نسبی ارزانه ترین و فراوانترین منبع انرژی باقی خواهد ماند و نقش محوری نفت در رفاه جوامع صنعتی حفظ خواهد شد. ما نباید همچنان بر این اعتقاد راسخ باشیم که برای سود بردن از این منبع مهم، پایان پذیر و محدود، باید راه حل بیگانه ای یافته شود. این امر مستلزم همکاری تمام طرفهای ذی نفع با یکدیگر است.

مصرف کنندگان باید در مقابل اقدامات تجاری محدود کننده، برای ارائه تقاضای مناسب، قابل بهش بینی و آسیب ناپذیر به عرضه کنندگان اقدام کنند. و در مقابل، تولید کنندگان نیز باید برای تضمین امنیت عرضه نفت تلاش نمایند.

سیاستهای آینده انرژی باید واقعیت مسائل طوموس و جدی مربوط به حفاظت از محیط زیست را به وضوح در نظر گرفته و بپذیرند. ما باید کوشش کنیم آگاهی خود را در زمینه دلایل واقعی بسیاری از پدیده های طبیعی بیامون خود - که طبیعتا بسیاری از آنها ارتباطی با مسئله انرژی ندارند - گسترش دهیم.

ابعاد مسئله بسیار مهم است و به مسائل محلی و جهانی ارتباط دارد. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که راه‌حلهای آسان و ارزانی برای آن پیدا شود. علاوه بر آن، هر چند باید اقدامات ممکن را سریعاً انجام داد. اما باید دانست که بحث در مورد مسئله‌ای درازمدت است که همراه حلی درازمدت نیاز دارد.

سیاستهایی که براساس احساسات و یا دادن امتیازات کوتاهمدت مالی استوار بوده و دلایل معتبر علمی ندارند و یا به واقعتهای درازمدت اقتصادی بی‌توجه هستند، تنها به اتلاف غیرلازم منابع و مصرف بیهوده انرژی‌منجر خواهند شد. ما باید برای برقراری سیاستهایی تلاش کنیم که رشد اقتصادی جهانی را با محیط‌زیستی پاکیزه و حیاتیبخش همراه کنیم. چنین سیاستهایی الزاماً "باید تأمین انرژی را به شکلی مطمئن و به قیمتی مناسب و معتدل تضمین کنند. در طول دهه ۱۹۹۰ اوپک خواهد کوشید که در تلاش برای رسیدن به چنین هدف شریفی، سهیم باشد.

منتشر می‌شود

طرحها و پروژه‌های آموزش

(فنون تحلیلی، مورد پژوهی و تمرین)

مترجمان: عصمت قائم مقامی
عیسی ذوقی